



تجار، در تعامل سیاسی و اجتماعی پس از جنبش مشروطیت

پدیدآورده (ها) : ترابی فارسانی، سهیلا

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: بهار و تابستان 1381 - شماره 45 و 46
از 111 تا 123

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92371>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 16/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

تجّار، در تعامل سیاسی و اجتماعی پس از جنبش مشروطیت

دکتر سهیلا ترابی فارسانی

مرکزی، کاملاً مرتبط بوده و در تغییرات صاحب مقامهای سیاسی در بوشهر و فارس، نقش داشته است. (۸)

تجّار، گاه با حکام محلی، درگیر می شدند و طبیعتاً در صورت دست نیافتن به سازش، دو وزنه قدرت، نمی توانستند یکدیگر را تحمل کنند. معمولاً سخت گیریهای مالیاتی و دیگر اختلاف نظر ها، موجب بر خورد می شد. از این نمونه، درگیری معین التجار با نایب الحکومه صیغاب راه می توان نام برد (۹) و نیز، شکایت تجّار بزرگ از اجحافهای حکومت ارفع المالک در دزدآب، که به انفصال وی از خدمت منجر شد. (۱۰)

تجّار، برای پیش برد اهداف خود، بجز دوران اوایل مشروطیت، که به طور مستقیم در امور سیاسی مداخله می کردند، پس از فاصله گرفتن از قدرت نیز، نفوذ غیر مستقیم خود را حفظ کردند. آنان، بجز برای پیش برد اهداف خود، رشوه می پرداختند و افرادی هم در بین سید تملداران بودند که از منافع آنان حمایت می کردند. تجّار، دو موردی به عنوان نمونه، بحلی دفاع می کردند و بعضاً خواهان دوام حاکمیت آنان بودند. به طور مثال، حمایت تجّار اصفهان، از حکومت سردار ظفر، که توانسته بود امنیت و آسایش اهالی را فراهم نماید، از این نمونه است. (۱۱)

ابراز توافق یا مخالفت با هیئت دولت، از کارهای دیگری بود که تجّار به آن می پرداختند. هر چند در آن سالها، تشکلهای متسجم و منظمی در بین تجّار وجود نداشت، ولی تلگرافهایی، خطاب عموم تجّار صادر می شد. در سالهایی که محمدعلی شاه، تلاش می کرد مجدداً قدرت را به دست گیرد و دولت روسیه، با از دست دادن شاه، کفایت قدرت سیاسی خود را خالی یافته بود و نیابت سلطنت و دولت‌های بختیارها و زمینداران، روبه سوی انگلستان داشتند و روسیه، می کوشید که به هم خوردن تعادل راه، از طریق عمال خود تغییر دهد. سعدالدوله، با اعمال سیاست روسیه، سعی می کرد با انتشار تلگرافهای جعلی به

از آنجانی که نهادهای نظام جدید مشروطیت، توانست در روابط حاکم بر جامعه، بدرستی استقرار یابد و شکل روابط اجتماعی، به شکل گذشته باز تولید شده (۱) تجّار، برای ادامه فعالیت‌های تجاری خود، مجبور به رعایت همان روابط پیشین بودند. تجّار، به عنوان گروه مورد احترام حکام سیاسی و مردم، همچنان شاهن اجتماع خود را حفظ کردند. دعوت از تجّار بزرگ و معتبر در مراسم رسمی، از این نمونه بود. به طور مثال، دعوت از شیخ احمد تاجر گله داری در مراسم اعطای نشان جرج پنجم به شجاع نظام، در کنسولگری انگلیس در بوشهر (۲) شرکت تجّار، در مراسم جشن تاجگذاری محمدعلی شاه (۳) و استفاده از میانجیگری تجّار، به عنوان افرادی معتمد برای رفع بعضی اختلافهای سیاسی (۴)، حاکی از اهمیت و احترامی بود که برای این گروه قائل بودند.

مردم، تجّار را، واسطه ارتباط با مقامهای سیاسی می کردند. از این نمونه، می توان شکایت مردم را از برخی اعمال ستمگرانه و اجحاف مالیاتی حکامی نام برد که در این خصوص، نامه‌هایی به معین التجار نوشته شد. (۵) تجّار، برای اعمال نفوذ و حفظ موقعیت خود، مجبور بودند دو دسته بندیهای سیاسی وارد شوند. آنان، بناچار می بایست سیاسی می شدند. چون اقتصاد و تجارت، به سیاست آمیخته بود. تاجری که فقط به معامله و رسیدگی به حسابها و صیغور بروات می اندیشید، نمی توانست موفق شود. اخبار منتشر شده و نظر به های اولیای دولت و شناسایی باندهای قدرت، از ضروریات فعالیت تجّار بود. برای مثال، حمایت یا توجیه برخی از وزرا از معین التجار بوشهری (۶)، شکایت معین التجار از علاءالدوله، حاکم فارس و نامه‌های عین الدوله و مشیرالدوله، وزیر تجارت در حمایت از معین التجار، حاکی از لزوم برقراری رابطه بین تجّار و قدرتمندان بود. (۷) معین التجار، علاقاتی با مشیرالدوله و مخبرالدوله کرد و موافقتی، در خصوص عزل حاکم بوشهر به دست آمد. در نامه‌ای که محمدعلی نامی نوشته، مشخص است که معین التجار، با عناصر حکومت

نام تجار و علما، در مقابله با ناصرالملک و عین الدوله، کابینه تشکیل دهد. (۲۷) افکار عمومی، سعدالدوله را وابسته به روسیه و هدف او را، بازگرداندن شاه می دانست. مذاکراتی بین تجار تبریز با علما و تجار تهران، از طریق تنگرفخانه صورت گرفت. در بین مذاکره کنندگان، معین التجار بوشهری، حاجی ابراهیم قاسمی، سید مرتضی و حاجی باقر صراف و از تجار تبریز، می توان ملک التجار، کوزه کنانی و صدقیانی را نام برد. (۲۸) از تجار بزرگ تهران، امین الضرب و معین التجار، به آذربایجانها گوشه کردند که هر چند شرایط کشور و رضایتش نمی باشد ولی افراد، در صدد اصلاح کابینه و بهبود شرایط هستند و باید بادش و بنگر و تخمق بیشتری، به امور پرداخت. نکته جالب در این واقعیت که مدتی بعد در تلگرافهای بعدی، جعلی اعلام شد (۲۹). این بود که تجار بزرگ، در سالهای قبل از جنگ جهانی، بتدریج خود را در جریانهای سیاسی خود می یافتند و حضور نسبی پیدا می کردند؛ با اینکه ناراضیاتی خود را از شرایط موجود اعلام می کنند، ولی به تلاشهای خیر خواهانه و شرایط و محدودیت کشور، واقف بودند و خواهان حرکت آگاهانه و دقیق بودند و حتی تذکر می دادند که ملت ایران، در این چند ساله به هر وسیله متوسل گشته یا از راهی بختی یا از راه جهل و نادانی، گرفتار نتایج وخیمه شده، طریق نجات را از کف داده. (۳۰) همین امر، ایمان آنان را به مشروطیت و تلاش برای ماندگاری آن، به رغم تمام مشکلات، نشان می دهد. تجار، حتی در شرایط بحرانی، برای نجات دولت مشروطه، حاضر به قرض دادن به دولت شدند و در پاسخ به تقاضای دولت برای استقراض ملی، هیئت تجار درجه اول، که در مجلس تجارته بوشهر، مونس و عضو بودند؛ تقاضای تشکیل دادند. حاج منبغ محمد رضا، تاجر کازرونی و حاج عبدالرسول، رئیس التجار و حاج محمدباقر بهبهانی، در این امر تلاش بسیار کردند. در این نشست، مبلغ چهل هزار تومان برای پاسخ به استقراض دولت، تهیه شد و قول جمع آوری شصت هزار تومان دیگر نیز، پس از وصول قانون نامه استقراض، از سوی دوایر مرکزی داده شد. (۳۱)

مبادلات مالی تجار با سران دولت نیز، همچنان به وجود داشت. حواله های پولی سرداران رفیع به حاجی سلطان علی صاحب، تاجر شوشتری از تجار ایرانی، در هند (۳۲) و پرداخت حقوق میرزا محمدعلی خان مستوفی الدوله توسط معین التجار، از این نمونه بود. (۳۳) حکومت نیز، سعی داشت حتی الامکان اعتراض و شکایتی از سوی تجار مطرح نگردد و در حمایت آنان را جلب می کرد، چون گروه صاحب نفوذ و قدرتمندی بودند و معمولاً به شکایتهای آنها، تریب اثر داده می شد. سعدالدوله، وزیر تجارت اوایل مشروطیت، حکم ریاست تجار همدان را صادر کرد و در نامه خود تاءکید نمود که باید طوری باشد که تجار، شکایت نکنند و راضی باشند. (۳۴)

اعتراضها و شکایتهای تجار در این دوران، چندین وجه داشت. شکایت از عملکرد سیاسی حکام و اعتراضهای مالیاتی که در سرتاسر این دوران وجود داشت. در هر حال، تجار، برای پرداخت مالیات املاک خود و اجاره ها و امتیازهایی که از دولت می گرفتند، با وزارت مالیه درگیر بودند. دولت، از اعتراضهای دسته جمعی تجار، که عمدتاً با حمایت و پیروی اصناف از آنها، به

جریانی عمومی و بسته شدن بازار منجر می شد. هراس داشت. در سال ۱۳۳۱ ۱۹۱۳. اعتراض تجار خراسان، به مالیات جدیدی که پیشکار مالیه خراسان اعمال کرده بود، ماجرای عظیمی ایجاد کرد و به دنبال آن، واکنش تجار و اصناف مناطق مختلف خراسان، آغاز شد. تجار و اصناف تون، از توابع طیس، طی نامه ای به وزارت مالیه، به شرح وضعیت داد و ستد در آن منطقه پرداختند و پرداخت چنین مالیاتی را، در توان خود ندانستند. (۳۵) تجار خراسان، مالیات جدید را، با وجود همه خسارتهائی که در آن سالها به دلیل ناامنی ایجاد شده بود و شرایط نامساعدی که به ورشکستگی تجار انجامیده بود، اجحافی مضاعف بر خود دانستند (۳۶) و در اعتراض به شرایط جدید، بازار هاسته شد. در روز بعد از تعطیل تجار، اصناف هم از هر طبقه، دکاکین را بسته، از تجار تبعیت کرده، در مسجد جامع اجتماع نمودند. حتی میرزا حسین مجتهد هم، نتوانست تجار را وادار به باز کردن دکانهایشان کند. طی گزارشی که کارگزاری وزارت امور خارجه، از وضعیت سبزوار به تهران مخابره کرد، اداره مالیه سبزوار، از اولگ جمادی الثانی ۱۳۳۱، از اصناف طلب تعرفه کرده و تا پانزدهم ماه، از آنها تعرفه گرفته است. هنگامی که خواسته انداز تجار تعرفه بگیرند، آنان، جواب داده اند که ما، تابع مرکز هستیم. هر وقت در تهران یا مشهد، تجار تعرفه دادند، ما هم، اطاعت داریم. در نیس مالیه سبزوار، سعی کرده با قوه فهریه، از تجار تعرفه بگیرد، آنها هم، حجره ها و کاروانسراهای خود را بسته، به بیعت وزرا تلگراف کرده اند و به دنبال آن، اصناف نیز، از آنان تبعیت کرده، در مسجد جامع جمع شده اند. (۳۷)

تجار، به دنبال قانونی همه گیر، بکسان و منظم بودند و این رو، اعتراضها، گسترش می یافت. تجار مرنده، از وزارت تجارت، پرسش کردند که آیا حکم صادر شده، در تمام نقاط ایران و از طرف دولت، بر همه قانونی است یا صرفاً منطقه ای می باشد؟ هیئت تجار مشهد نیز، به وزارت تجارت تلگراف کردند. (۳۸) تلگرافهایی به وزارت داخله و مالیه مخابره شد. (۳۹) صنف بلور فروش مشهد، طی تلگرافی به وزارت داخله و مالیه، با تصویب نکردن چنین قانونی تأکید کرد. (۴۰) تجار و کسبه سیستان، در اعتراض به مالیات و وضع شده، در کسولگری انگلیس متحصن شدند. وزارت خارجه، به مالیه توجه کرد، با مالیات معمول را بگیرد یا از روی داری و عدالت، بر عایدات مالیات ببندد. (۴۱) طی تلگراف رمزی، از وزارت داخله خواسته شد تا پیش از گسترش اعتراض و تحصن بازارها و جلوگیری از خسارت بیشتر، هر چه در امر تأیید و اخنامه دهد. (۴۲) برای پایان دادن به آن وضعیت، وزارت مالیه، با همکاری مالیه خراسان نوشت: که اخذ مالیات بدون تصویب مجلس، غیر قانونی است و باید متوقف گردد. (۴۳)

از چگونگی بیان یکی از اعتراضهای منطقه ای تجار، در جلسه مجلس، می توان مشروطیت، به نکاتی می توان دست یافت که در فهم عملکرد دوایر مرکزی، توجیه است. از متن نامه های مربوط به آن مأموریتها، نکاتی در دسترس می شود. (۴۴)

۱. توجه و تأکید تجار به قانون و لزوم استقرار اهلیت آنرا
۲. اهلیت همسانی و همه گیر بودن قانون و رفع تبعیضاتی که در دوران

استلاده، بر اساس سلیقه ها و روابط، متداول بود.

۳. فهم روابط بین تجار و اصناف و تابعیت اصناف از تصمیمهای تجار و اینکه خطه هنده اصلی در حرکتهای عمومی، در بیشتر موارد تجار بودند. آنها آگاهتر و مدعی تر بودند و از اقتدار بیشتری هم برخوردار بودند و همواره اصناف، ذلیل و رو تجار بودند.

۴. اختلاف نظر علماء و تجار به رغم نزدیکی هیشگی، به گونه ای که در مواردی تجار، به توصیه های علماء، عمل نمی کردند.

۵. نگرانی دولت، از آشفتگی و ناراضیهای عمومی بخصوص بازارها و تلاش برای حل آن.

۶. به دلیل کم اقتداری نهادهای نظام نوین، تجار و همچنان از همان کاورهای سنتی، مثل تحصن در سفارتخانه های خارجی، برای اعتراضهای خود بهره می جستند.

۷. در سایر دیگر مسائل اساسی تجار، رابطه امور تجاری و امنیت راهها بود. آنان از هویت انتظار داشتند در این امر کوشا باشد. تجار فزاین، به وضعیت امنیتی شهر اعتراض کردند؛ آنان، می گفتند در ابتدا گمان می کردیم راهها پر از دزد و راهزنی بوده است، ولی دیگر در شهر نیز امنیت نیست و اینکه مالیات غیر مستقیم را قبول کنیم به همین منظور گرفته است. آنان، طی نامه ای، از وزارت داخله، خواستند تسریع در پرداخت حقوق افراد نظمییه شدند و آن راه امنیت اطمینان قلبی و اهالی دانستند در مواردی هم که دولت، قادر به حفظ امنیت نبود، تجار خود، به این امر مبادرت می کردند.

۸. مصلحت ممسنی، در پیش از مشروطیت به معین التجار واگذار گردید و او، مسئول مالیات و حفظ امنیت این منطقه بود. اهالی ممسنی، از ترک تازیه های ایلات و خصومات ترکها و از تجاوز کشتکولها و باجگریهای آنها، به معین التجار شکایت کردند (۳۰). معین التجار، صاحب تیول و زمیندار بزرگ منطقه محسوب می شد و در مناطق سران و مشایخ جنوبی با سران دولت بود و میزان مالیات دولتی مشایخ قسم را تعیین می کرد (۳۱). در خصوص تعیین حقوق و مواجبات سران ایلات و حفظ امنیت منطقه تلاش می کرد (۳۲). در سال ۱۲۸۱ قمری معین قسم، از ظلم شیوخ منطقه، به آستانه رسید (۳۳). معین تجار، در تصمیمهای قدرتهای محلی، از طایفه منطقه با شیوخ و بزرگان، نفوذ داشت که با نامهای به حکومت ارسال می شد و معین تجار و نفوذش در تصمیمهای سیاسی منطقه، شکایتی شد (۳۴). معین تجار، در منطقه، از نفوذ داشت که حوادث محلی را در آنجا، به سران دولت گزارش می داد (۳۵). معین تجار، که او، در منطقه، در تصمیمهای محلی، صاحب اختیار بود (۳۶). معین تجار، در میان ایلات و سران، نفوذ داشت و در سال ۱۲۸۱ قمری، به سالار معین قسم، در تبریز و جزایر خلیج فارس، سپرد. معین تجار، در مناطق، بین ایلات و سران، نفوذ داشت و کل بناچار، در هیچ حسن ایلات و ناظم التجار، تقسیم می شد (۳۷).

۹. در مناطق، معین تجار، قول داد مالیات دو ساله بتی طرف و خود را ببرد، چون در سال ۱۲۸۱ قمری، از سالار معین قسم، با بار دوگوشی و نفوذ نظامی، معین تجار، در تبریز، با هزار تاجیک که هزار تومان، قول گرفتن

مالیات را داد و از معین التجار خواست، به جای ارسال نیروی نظامی، گرفتن مالیات را به او واگذارد. (۳۷)

منافع معین التجار، که تاجر، مالکی صاحب نفوذ در مناطق جنوبی بود. ایجاب می کرد در منطقه تلاش کند. حفظ امنیت و وصول مالیات، مواردی بود که وی، فعلاً نه در آن شرکت می کرد و تاجانی که امکان داشت، از افرادی در محل می خواست، شرارتهای یاغیان را، در تعزلی به افراد بومی سرکوب کنند تا محتاج کمک ایالت نشوند. (۳۸)

در سالهای قبل از مشروطیت، نامینها، با استفاده از نیروهای محلی، حل و فصل می شد. نفوذ معین التجار در دسته بندیهای سیاسی و اعمال نفوذ در دستگاه دولتی، به این امر کمک می کرد. مکاتباتی که بین علماء الدوله و عین الدوله، در مورد معین التجار صورت گرفت، حاکی از همین قدرت و نفوذ بود. (۳۹) در سالهای پس از مشروطیت، وی، برای حفظ امنیت و وصول مالیات اعلاکش در ممسنی، مجبور به اعزام نیرو به منطقه شد. رهبری اعزام نیرو به منطقه را، برای تثبیت مالکیت و حفظ امنیت و وصول مالیات، خود معین التجار به عهده گرفت. معین التجار، در هماهنگی با وزارت داخله، چگونگی پرداخت هزینه اعزام فنگچی به ممسنی و استفاده از سواران قشقایی را، تعیین کرد (۴۰). وی، حقوق ماموران ممسنی و صد نفر فنگچی کازرونی و سپاهان قشقایی را، که در کنار آن اردو، به ممسنی اعزام می شدند، تقبل کرد. قبول چنین هزینه ای، برای تسریع در اعزام نیروهای نظامی به منطقه بود (۴۱). وزارت جنگ و دولت نیز، تمام تلاش خود را برای رفع نگرانی و همکاری معین التجار، انجام داد. (۴۲) پس از اعزام نیرو و تفویض بر اشرار، اهالی منطقه، معین التجار، خواستند به دلیل ناامنی و حمله های مکرر ترکها به منطقه، در گرفتن سهم مالکانه از آنان، تخفیف دهد و قراردادی برای کاهش سهم مالکانه، بین آنان منعقد گردید. (۴۳)

تجار و مسائل فرهنگی - اجتماعی

الف. پیش از مشروطیت

۱. مهم ترین امری که تجار، در مشروطیت نیز، به آن توجه داشتند، کمک و مشارکت هو اسرار است. معین تجار، در نقش معتمدان، متفکران و متولیان محلی، نقش داشتند. در گذشته، در شهرها، سازان بودند. اینکه آیا نگاه تجار، همه توسعه دهنده است، چندان، درست نیست. از اهمیت خالص بزرگوار است. اما در این مهم، نقش تجار، کمتر می کند. تجار، توسعه مالیات، راه با تراج در امور اقتصادی، معین تجار، ترقی خواهانی بودند که در کنار سران ایلات، با نفوذ و توان، در منطقه، نفوذ داشتند. معین تجار، در تبریز، در سال ۱۲۸۱ قمری، به سالار معین قسم، در تبریز، در میان ایلات و سران، نفوذ داشت و در سال ۱۲۸۱ قمری، به سالار معین قسم، در تبریز و جزایر خلیج فارس، سپرد. معین تجار، در مناطق، بین ایلات و سران، نفوذ داشت و کل بناچار، در هیچ حسن ایلات و ناظم التجار، تقسیم می شد (۳۷).

تعبیر می شد. فهم آنان از غرب، به مانی فکری آن باز نمی گشت بلکه بیشتر ناشی از دستاوردهای مادی تمدن غرب بود.

تجارت در سراسر کشور و حتی در جاهای دور افتاده، در امر توسعه مدارس مشارکت داشتند. حاج ناصرالتجار و حاج مشیرالتجار، از افراد مؤثر در گسترش مدارس محصور بودند. (۴۴) حاج محمدحسین امینالتجار، در ساختن مدرسه انبیه در منطقه اوزان نواحی لارستان فارس، همکاری کرد و همینطور، مخارج قبول شاگردان آن مدرسه را، به طور سالیانه تقبل کرد. (۴۵)

در میان جاهای پس از مشروطیت، در جای جای کشور، خبر از مشارکت تجار در تأسیس مدارس بود. همکاری گروهی تجار، در ایجاد مدرسه موسوم به جنبیه در بندر ناصری، که تئلا که امور مالی آن به عهده حاج رئیسالتجار، حاج سیدحسین شوشتری، سیداحمد تاجر شوشتری، سیدمحمدحسین تاجر شوشتری، حاج محمدظاهر تاجر شوشتری، محمدباقر تاجر بیهانی و میرزا عبدالرحیم تاجر اصفهانی بود تجار شوشتری مقیم بمبئی نیز، در آن امر مشارکت کردند. (۴۶)

کمک مالی افتخارالتجار و حاج امینالتجار، در ساختن مدرسه شوکتیه، تبریز (۴۷) همچنین، پرداخت وجوهی از سوی تجار، در ساختن مدرسه انبیه در بارفروش (۴۸) و مدرسه اشجعیه سعادت در استرآباد (۴۹) تجار خراسان در کشور نیز، برای ایرانیهای مقیم خارج، دست به مدرسه سازی زدند. تجار مقیم بحرین، مدرسه ابتدایی در بحرین تأسیس کردند. (۵۰) توجه به تأسیس مدارس دختران نیز، در بین تجار موجود داشت. به طور مثال، ناظمالتجار سمائی، تلاش بسیاری در تأسیس مدرسه ابتدایی مسجلی دولتی در سمنان کرد. (۵۱) البته گسترش و رواج مدارس دختران، بسیار کمتر بود و مخالفتی با آن، صورت می گرفت که طبعاً از فعالیت تجار در این زمینه، می کاسته چرا که تجار، برای حفظ اعتبار خود، به دنبال یافتن سنتی جامعه در حرکت بودند و هیچگاه به مخالفت با آن، برخاستند. البته، در زمانی که مدارس دخترانه تا حدودی در بین مردم پذیرفته شده و تجار نیز، به تأسیس آن کمک کردند.

تجار، علاوه بر تأسیس مدارس، در زمینه امر دیگری، پرداخت کمک های مالی نیز، پیشقدم بودند. این امر، برای آنها، هم جنبه اقتصادی و هم جنبه اجتماعی داشت. حضور تجار در اینصورتها، چیزی، بیشتر ناشی از آنان به توقع مسئولیت عمومی بود و به طور مثال، که یکی از تجار، در تشکیل انجمن معذلت (سازمان خیریه) سعادت، مشارکت داشتند. حاج میرزا محمدحسین (۵۲) میرزا محمد کاظم در تبریز، در ایجاد انجمن خیریه و ایجاد خیریه های متعدد، در تبریز، سرمایه های کمی گنجه را در اختیار خیریه های خیریه نهادند. (۵۳) این خیریه ها، در نظامنامه مشروطیت، در عهده امینالتجار، اقدام دو امینالتجار، در تبریز، بعد از مدتی، در تبریز، کرد. این اقداماتی در زمینه تأسیس مدارس عالی، از جمله مسجلی مردم و کنگره رساندن شیوه کودکان سرپرست، که در تبریز، تأسیس خود را جمع آوری گدایان و ترویج مدارس عالی، اعلام نمودند. (۵۴) پرداخت اعانه و کمک مالی تجار، گاه از مرزهای کشور نیز، به نفع خیریه های خیریه مالی، در تبریز، در دولت عثمانی، که آنرا امینالتجار، در تبریز، در تبریز، تأسیس کردند. (۵۴) مشارکت

تجار مقیم استانبول، در ایجاد دبستان و مریضخانه مظفری، (۵۵) از این نمونه بود. به نظر می رسد ملیت، قومیت و یا حتی تعلق به شهر و ناحیه ای بخصوص، در این گونه امور، تأثیر نداشت.

ب- امور فرهنگی و روشنفکران

روشنفکران و تجار بزرگ، و ترقیخواه، با یکدیگر مرتبط بودند. این ارتباط، شامل ملاقاتهای حضوری و مبادله افکار و نظریات یکدیگر بود که از این موارد، می توان به مذاکره گروهی از افراد برجسته انقلاب همچون حاج حسین امینالضرب، حاج معینالتجار، وثوق اللوله، مستشارالذوله و سیدحسن خمیزاده با چند تن از انقلابیون ارمنی در دسامبر ۱۹۰۷ و ژانویه ۱۹۰۸، اشاره کرد که در خصوص فعالیت تبلیغی در خارج از کشور برای جنبش مشروطیت و در مقابله با نفوذ روس و انگلیس و جلب همکاری انقلابیون بلغار و مقدونی و گرجی و قفقازی با مجاهدان ایرانی، صورت گرفت. (۵۶) بجز گفتگوهای مستقیم این دو گروه، روشنفکران، از طریق روزنامه، شبنامه و دیگر وسایل ارتباطی، بر افکار تجار تأثیر می گذاردند و طبعاً تجار نیز، با نزدیکی به قشر اهل قلم، کمکهای مالی لازم را برای توسعه امور فرهنگی، به عهده می گرفتند. روشنفکران، در هر مورد، خطوط فکری خویش را به تجار ارائه می دادند. آنان، با آگاهی دادن از شیوه تجارت اروپائیان و مقایسه با روش متداول در ایران، تجار را به امری تشویق یا منع می کردند. این مسئولیت را، روزنامه ها به عهده داشتند. طی مقاله ای با عنوان «قابل توجه طبقه محترم تجار»، به آنان گوشزد شد که تجار ایرانی، باید از رویه تجارت خود را تغییر داده، طبقه تجارت اروپائیان را، در پیش گیرند. انتخاب شیوه و اسلوب صحیح تجاری، بیش از سرمایه اهمیت دارد. (۵۷) روشنفکران، از طریق روزنامه ها، تجار را به بهره گیری از علم تجارت، ترغیب می کردند. آنان، سعی در تقویت سرمایه داری ملی در راستای قدرت سیاسی داشتند و آن را، در مقابل قدرتهای خارجی می دیدند. آنان، با مطالعه وضعیت اروپا، که اقتدار خود را، در سایه تجارت، به دست آورده بودند، آن مسیر را، با استفاده از کالاهای وطنی و تقویت صنعت قومی همی دانستند و شکست شرکت اسلامی، و کارخانه کبریت سازی امینالضرب و چیت باقی تهران را، به دلیل نداشتن حسن نوع پرستی، در بین ایرانیان قلمداد می کردند. آنان، تأکید فراوانی و اصرار به امتناع از خرید، را شعار خود قرار دادند و آن را، به ملت و تجار گوشزد می کردند. (۵۸) در این راستا، با استفاده از تجار ایرانی، همسو بودند.

روشنفکران، به ضرورت تشکیل اتاق بازرگانی، و تلاش تجار، در ایجاد آن، اشاره کردند و تعلل در تشکیل آن را، موجب ضرر و زیان تجار، می دانستند. روشنفکران، از این طریق، به تبلیغ و انتشار عقاید خود می پرداختند. از سوی دیگر تجار، با پیروی از روزنامه های مشروطه خواه، به جنبش ملی شدن می دادند و آنان را، از همراهی و کمکهای مالی خود، بی نصیب نگذاشتند. ارتباط تجار با روزنامه نگاران، حاکی از همین امر بود. ملاقات حاج میرزا عبدالمحمدخان، مدیر روزنامه چهارچهره نما، که در مصر، منتشر می شد، با حاج غلامحسین تاجر کازرونی، از تجار بزرگ بوشهر و پذیرایی از وی، در دوران

اقامتش در بوشهر (۶۱) به منزله معارف پروری تجار بزرگ قلمداد می شد آقا سید آقا تاجر اصفهانی مقیم استانبول، در توزیع روزنامه ارشاد که محسنات مشروطه و مضار استبداده را می نوشت، دخالت داشت. (۶۲)

این همکاری، از حد حمایت‌های مالی فراتر رفت و حتی تجار ترفیخواه، به تشکلهای فرهنگی راه یافتند. در سال ۱۳۲۷ ق.، هیئتی به نام «جمعیت نشر معارف آذربایجان» تشکیل شد و هدف خود را، توسعه دایره معارف و نشر و تعمیم علوم و تاسیس مدرسه و کتابخانه، تألیف و ترجمه کتاب کودکان و انتشار جراید و روزنامه‌های داخلی و خارجی، قرار داد و آن را موجب اتویر افکار و تزکیه اخلاق دانستند. تجار آذربایجانی، از جمله معتمدالتجار و حاج محمدعلی آقابادامچی در کنار مساوات و تمیز داده در این گروه حضور داشتند. (۶۳) تجار، حتی به این فکر افتادند که برای انجمن تجارت، روزنامه خصوصی تاسیس کنند و با انتشار مقاله‌های تجارتنی، جریان امور تجاری را قائلتر کنند. (۶۴)

روزنامه حبل‌المتین، که در کلکته منتشر می شد، رابطه نزدیکی با تجار ایرانی مقیم هند داشت؛ همچنین، با تجاری که به این منطقه رفت و آمد داشتند. (۶۵) این روزنامه‌ها، از کمک‌های مالی تجار بهره‌مند می شد و وکالت آن را در برخی شهرها تجار به عهده داشتند. از جمله محمدحسین صاحب تاجر دهلشتی و کبیل حبل‌المتین در بوشهر بود. (۶۶) از تجاری که با روزنامه همکاری داشتند، حاجی میرزا هاشم آقا تاجر اصفهانی، محمدحسین آقا تاجر کاشانی، آقامیرزا محمدجواد آقا تاجر افشار و خداینده رستم تاجر ایرانی و وکیل تجارخانه جمشیدیان بودند. (۶۷)

ج- مواردی از فعالیت‌های اجتماعی تجار

شرکت تجار، در تشکلهای صرفاً سیاسی، بیشتر جنبه فردی داشت و خصیصه کلی این طبقه نبود. به طور مثال، یکی از نامزدهای حزب دموکرات، امین‌التجار بود. (۶۸) پس از اعلام او، اعتماد و روس، که کمیته دموکرات اصفهان، تصمصیم به اعزام یک عده مجاهد اصفهانی به تبریز، جهت دفاع حبل‌المتین امین‌التجار، برای این امر داوطلب شد. (۶۹) البته در کمیته دفاع ملی تبریز، باقی مقابله با هجوم روسیه تشکیل شد. تجار نقش فعالی نداشتند و در بین اسامی، فقط حاج احمد تاجر تبریزی، آقا حاج حسن تاجر تبریزی، سید احمد ترک تاجر طورقروش، آقا سید مهدی ذوقانی تاجر بلخ و آقامیرزا محمود تاجر کاشانی وجود داشتند. (۷۰) که در هند نالای از دلاطلبان تشکیل شد. همین امر، نشان می دهد که تجار، به دلیل پدیرش اولیامانوم او سوزی و حضور نداشتن در فعالیتهای صرفاً سیاسی، در این زمان فعال نبودند. در جمعیت‌هایی که دارای ایجاد اجتماعی، اقتصادی بود، بیشتر جنبه ملیت‌پروری مثال، حاج اطفعلی تاجر میرزا آقا جان تاجر و علی اصغر تاجر از مؤسسان جمعیت ترفیخواهان ایران بودند که از اهداف این جمعیت، حفظ قوانین مشروطیت، امنیت مالی و جانی، نشر علوم و معارف و توسعه تجارت و رواج کالاهای داخلی، امنیت راه‌ها، ترقی و رفاهت ایجاد کارخانه و به کار انداختن

معادن راه معرفی کرده بودند. (۷۱)

از موارد دیگری که می توان به آن اشاره کرد، نقش دو گانه تجار، در مسئله نان بود. از یک سو تجاری بودند که برای اصلاح عمل نان، با دولت همکاری می کردند و به صورت شراکت، بخت نان خوب و فراوان را در تهران تقبل می کردند. (۷۲) از سوی دیگر، مواردی از شورش مردم، بر ضد برخی تجار وجود داشت که آنان را، سبب گرانی و کمبود ارزاق و نان و از عوامل احتکار، قلمداد می کردند. از این نمونه، می توان طبیبان و حمله مردم خراسان را به منزل معاون‌التجار ذکر کرد. مردم، او را عامل گرانی دانستند و لزوم حمله به خانه و انبار وی، مطرح شد. طلاب نزد علمای رفتند تا آنها را به جمع خود در آورند. ولی آنها، همراه نشدند. گروهی از طلاب و اصناف به سمت خانه معاون‌التجار حرکت کردند. وی، که حکم ایالت خراسان را گرفته بود، به تدارک نیروی نظامی پرداخت و از سواران شامسون و کاکویه، کمک گرفت و درگیری نظامی با مردم، غائله عظیمی در خراسان ایجاد کرد. (۷۳)

گرفتن مناصب دولتی در بین تجار، چندان متداول نبود. موارد اندکی آن، بیشتر جنبه فردی داشت. به طور مثال، سپردن حکم ایالت خراسان به معاون‌التجار و انتخاب ناصرالتجار، برای تصدی امر بلدیة محموره بود. (۷۴) از این گونه موارد قلیل، فقط در مشخصه فردی تجار، می توان سراغ گرفت؛ ولی روالی کلی، در این طبقه نبود.

پی نوشتها:

۱. این مقاله، مبتنی بر اسناد موجود در سازمان اسناد ملی است. با علامت اختصاری (س) و شماره مرکز اسناد پدید مستضعفان، با علامت اختصاری (ک) تنظیم شده است. ۲. در تمامه شجاع نظام از شیخ احمد تاجر گدهان، بیست و یک صفحه حکومت بندر عباس و مضامین، ۱-۱۳۳۰ ق. (م. ا. ب.) ۳. فعالیت‌های تجار، در تشکلهای اجتماعی، محمدعلی آقابادامچی، زین‌العابدین آقا، معاون‌التجار، حاج میرزا محمدباقر حاجی، تاجر گنجوی، که کاروانسرای خود را در راه طبرستان و کلان آیین جهت تسهیل رفتن زائران ۱۳۳۰-۱۳۳۱ ق. (م. ا. ب.) ۴. تقاضای چند نفر و کالی، دفتر شیخ محمدباقر مستوفی، مستوفی و معین‌التجار، برای ملاقات با سید محمدباقر و ملاقاتی و ملازمتی آنها از دست‌مندی‌های مجلس بود در (ک) کالی، پیشرو نیگامی، ۱۳۳۰ ق. (م. ا. ب.) ۵. در کالی، مدالی، به عنوان مستوفی، ۱۳۳۰ ق. (م. ا. ب.) ۶. در کالی، بیست و یک صفحه و وزارت معتمدان، ۱۳۳۰ ق. (م. ا. ب.) ۷. در کالی، به عنوان مستوفی، ۱۳۳۰ ق. (م. ا. ب.) ۸. در کالی، ملاقات قسین الشیخ و یارخی از سران سیاسی ولی تاجر (کالی) ۹. اسناد قلمی که تصمصیم در آغوش نوشته است، (س) ۱۳۳۰ ق. ۱۰. اندک الف شکایت قسین الشیخ، در نامه به مشیرالدوله رئیس وزارت کشور، ۱۳۳۰ ق. (م. ا. ب.) ۱۱. شمس‌البرخی تاجر اصفهان، که از حاکمیت سردار خراسان، مستوفی و محمدحسین کازرونی، امین‌التجار، اعتمادالتجار، میرزاهاج و قسین الشیخ، سید حسن شکندار، حاج محمود شکندار، حاج محمدحسن قزوینی و قسین الشیخ، بیست و یک صفحه، تاجر اصفهان، به رئیس الوزراء، ۱۳۳۰ ق. (م. ا. ب.)

۱۲ برای آگاهی از وقایع مربوط به تلاش سعدالدوله برای نیابت سلطنت و تشکیل کابینه و ارتش عمومی در این خصوص (احل العین، سال ۷۰، ش: ۲۶، ص: ۸-۶)

۱۳ اساسی مذاکره کنندگان تبریزی با علمای و تجار تهران. در خصوص ماجرای سعدالدوله، از این قرار بود: ملک التاج، خطائی، کرزه کتانی، حریری، قره‌داغی، اردبیلی، کرمانی، صدیقی، عظیم‌نوشه فتصلی، مذکی، قزوینی، فتح‌الله اوف، سلطانی، اردوبادی، قزوینی، جنب‌علی، برنموی، محمد همایون، محمد دفتر، مشیر دفتر، مطرب السلطنه، میرزا قاسم، مشرف الدوله، نصیر السلطنه، این مذاکرات در خصوص مذاکراتی جعلی، در مخالفت با کلیت اختیارها و نگرانی از بی‌اعتمادی سلطنت و اثرات حمایت از روی کار ایران سعدالدوله بود. اساسی تجار معروفه تبریز، در آن ذکر شده در تلگراف دیگری از میرزا محمد تقی عراقی، خواسته شده با عالی انزلی‌ها، مراهمی کند (احل العین، سال ۷۰، ص: ۲۶، ش: ۲۶، ص: ۱۲). تلگراف‌های از تبریز، خطاب به تاجران کاشانی و تجار اصفهانی مقیم تهران مکتوبه شد که هر امری آنها را با آزادیجاتها برای مقابله با دولت بخیریا و بیگانه، از تشکیل دولت سعدالدوله خواستار شده بودند (رای آگاهی از متن کامل تلگراف‌های اساسی، نگاه کنید به: احل العین، سال ۷۰، ش: ۲۸، ص: ۱۷، ۱۲). تلگراف از دست میرزا محمد السلطنه، ۱۹ جنوری ۱۳۳۱، وزارت کشور، ۷۸-۷۷-۱۹۰ (م. ا. ا.)

۱۴ تلگراف‌های از اخبار جعلی بوفان حمایت تبریزی از محمد علی شاه و دولت سعدالدوله، که چند ماهی بعدی روزنامه منتشر شد (احل العین، سال ۷۱، ذی حجه ۱۳۳۱، تفسیر ۱۳۳۱، شماره ۸۸، ص: ۸۸).

۱۵ اعلامیه، سال ۷۰، ش: ۲۸، ص: ۱۷.

۱۶ اعلامیه تجار و مبلغ مشخص شده قرض به دولت، به این شرح بود:

حاج میرزا محمد حسن صاحب کازرونی ۱۰۰۰۰ تومان
حاج میرزا محمد باقر رئیس التاج ۱۰۰۰۰ تومان
حاج میرزا محمد باقر تاجر بهبهانی ۱۰۰۰۰ تومان
آقا محمد حسن تاجر بهبهانی ۱۰۰۰۰ تومان
حاج میرزا محمد حسن حاجی باقر ۵۰۰۰ تومان
حاج میرزا محمد حسین تاجر ۵۰۰۰ تومان
آقای میرزا محمد حسین رفته فرحوم ۵۰۰۰ تومان
حاج میرزا محمد شریف

حاج میرزا محمد علی تاجر قدوسی، تعیین مبلغ راه بعد از کول کرد. تلگراف‌های بین تجار تبریز و تبریز، درباره لشکر فوجی داخلی و رفع نیاز دولت برای اصلاحات امور لشکری در کشور، مبادله شد. در تلگراف‌ها مشخص است که تجار انزلی‌ها، بخصوص حاج میرزا کریم، کرمانی، رحیمی، عبدالمطلب استروان و عکانه با تاجران سراسر کشور راه عهده دولت است. اولی مبلغ عمومی بزرگی تعیین حدی بود که بتواند مسائل دولت را رفع کند (رای آگاهی‌های بیشتر، نگاه کنید به: احل العین، سال ۷۱، ذی حجه ۱۳۳۱، تفسیر ۱۳۳۱، شماره ۳۶، ص: ۱۶۷).

۱۷ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه الاول، ۱۳۳۱، تفسیر ۱۳۳۱، شماره ۳۶، ص: ۳۶.

۱۸ مایه به معنی تجار تبریزی، رای آگاهی، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۱۹ لیست تجار تبریزی، رای آگاهی، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۲۰ نامه و وضعیت تجار و علمای تبریز، احل العین، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۲۱ داد و ستد تجار تبریزی، احل العین، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۲۲ لیست تجار تبریزی، احل العین، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۲۳ مایه، رای آگاهی، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۲۴ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۲۵ تجار تبریزی، احل العین، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۲۶ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۲۷ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۲۸ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۲۹ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۳۰ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۳۱ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۱ ... و

۲۲ تخمین السلک به وزارت مایه، هوادار پورت کارگزاری سیروز، ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۳۱، وزارت مایه، ۱۳۳۱، (م. ا. ا.)

۲۳ اجنت تجار مشهد به وزارت تجارت، ۹ محرم ۱۳۳۱، وزارت مایه، ۱۳۳۱، (م. ا. ا.)

۲۴ تلگراف عموم تجار خراسان به وزارت داخله، ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۳۱، وزارت مایه، ۱۳۳۱، (م. ا. ا.)

۲۵ تلگراف صنف بلور فروش مشهد به وزارت داخله و مایه، ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۳۱، وزارت مایه، ۱۳۳۱، (م. ا. ا.)

۲۶ وزارت امور خارجه به وزارت مایه، ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۳۱، وزارت مایه، ۱۳۳۱، (م. ا. ا.)

۲۷ تلگراف رمز شهاب الدوله به وزارت داخله، ۱۱ ذی حجه وزارت کشور، (۱۱-۷۲۵۰)، (م. ا. ا.)

۲۸ وزارت مایه به پیشکار مایه خراسان، ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۳۱، وزارت مایه، ۱۳۳۱، (م. ا. ا.)

۲۹ تلگراف عموم تجار قزوین به وزارت داخله، ۱۳۳۱، قزوینی، وزارت کشور، ۱۳۳۱، (م. ا. ا.)

۳۰ حاج محمد مهدی اردکانی، محمد باقر احمی معاز، سید مهدی اصفهانی، حاج محمد علی قزوینی، حاج عبدالله اردکانی

۳۱ از کازرون به حاج معین التاج بوشهری، ۶ شوال ۱۳۳۱، ق. (م. ا. ا.)

۳۲ حاج محمد رحیم از بوشهر به حاج معین التاج بوشهری، ۱۶ ربیع الاول ۱۳۳۲، ق. (م. ا. ا.)

۳۳ از بوشهر به حاج معین التاج بوشهری، سال ۱۳۳۲، ق. (م. ا. ا.)

۳۴ عموم تجار و کسبه قم به حاج معین التاج، ۲ جمادی الاول ۱۳۳۲، ق. (م. ا. ا.)

۳۵ عبدالله از شیراز به وزیر مخصوص، ۹ رجب ۱۳۳۲، ق. (م. ا. ا.)

۳۶ از بندر عباس به معین التاج، ۲۱ شوال ۱۳۳۲، ق. (م. ا. ا.)

۳۷ قرار داد مابین سالار معظم، حکمران کل شادرو و میرزا علی حسن و معین التاج و شکر کد جمادی الآخر ۱۳۳۸، ق. (م. ا. ا.)

۳۸ تلگراف از محرمه به معین التاج، ۲ شوال ۱۳۳۱، ق. (م. ا. ا.)

۳۹ معین التاج به کازرون در خصوص دفع شرارت‌های حاکم، ۱۱ ذی حجه ۱۳۳۰، ق. (م. ا. ا.)

۴۰ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۴۱ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۴۲ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۴۳ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۴۴ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۴۵ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۴۶ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۴۷ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۴۸ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۴۹ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۵۰ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۵۱ اعلامیه، سال ۷۱، ذی حجه، (م. ا. ا.)

۹۹-اسامی تاجر کبک کننده به تاسیس مدرسه الشجیة سعادت در استر آباد، از این قرار بود: حاج کاظم تاجر تبریزی، حاج محسن تاجر کرمانی، محمد ابراهیم تاجر، حاج علی اشرف تاجر تبریزی، مشهدی غفار تاجر تبریزی، آقا میرزائی تاجر اصفهانی، خدابخش تاجر جدید الاسلام، آقا میرزایله تاجر، عبدالجواد تاجر، اسحاق تاجر، عبدالله تاجر، نصرالله تاجر، (همانجا سال ۱۷، ۱۳ شوال ۱۲۳۶ سپتامبر ۱۹۱۳، ش: ۳۳، ص: ۴۱، ۴۲)

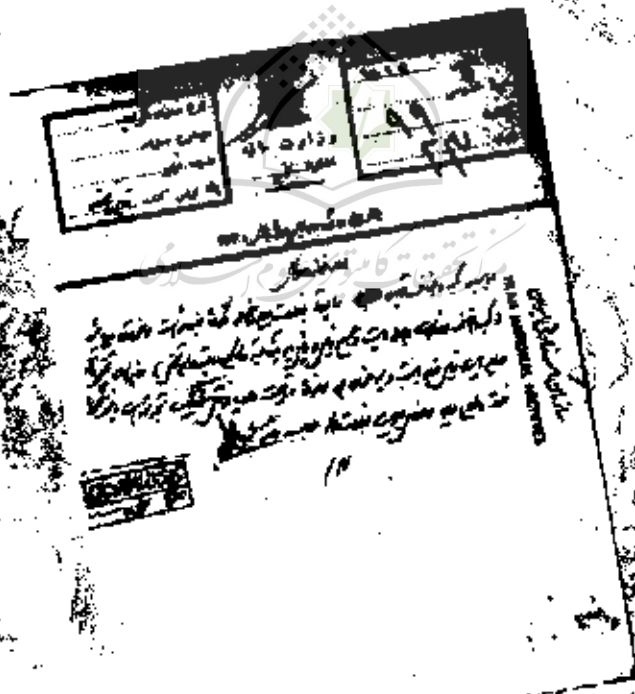
۱۰۰-اسامی تجاری که در مدرسه سازی در بحرین فعالیت داشتند: تاجر پوشه‌ری، تاجر کازروبی، حاج حسن تاجر دشتی، حاج عباس تاجر پوشه‌ری، آقا میرزا محمد حسن تاجر جواهری شیرازی. (همانجا سال ۳۲، ۱۵ شوال ۱۳۳۶ سپتامبر ۱۹۱۳، ش: ۳۸، ص: ۴۲) زاید برای آگاهی بیشتر، نگاه کنید به: مهیلا نویسی فارسانی، اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸ فصل هفتم، ص: ۱۹۸، ۱۹۳، ۵۲، جیل المئین، سال ۱۳، ۱۲ جمادی الاول ۱۳۳۵ اول ژوئیه ۱۹۰۷، ش: ۳۲، ص: ۱۰)

۱۰۱-همانجا، ص: ۹۱۱
۱۰۲-فریبی، کبک‌کنندگان به عثمانی، اسامی چند تاجر ایرانی و هندی وجود داشت: حاج محمد تاجر پشاور، حاج محمدباقر تاجر، سید سیلاسی و سید تاجر هندی. (همانجا سال ۲۰، ۲۷ محرم ۱۳۳۶ ژوئیه ۱۹۱۳، ش: ۳۲، ص: ۱۱۳، همانجا، سال ۲۰، ۲۲ ربيع الثاني ۱۳۳۶ مارس ۱۹۱۳، ش: ۳۰، ص: ۶۷)

۱۰۳-همانجا، سال ۲۸، ۲۲ ربيع الثاني ۱۳۳۵ ژوئن ۱۹۰۷، ش: ۳۱، ص: ۱۷
۱۰۴-میگانه آینده، ج ۱۹، ش: ۲۹، ص: ۶۹۷
۱۰۵-ایران نو، ۱۳ ذی حجه ۱۳۳۷ ژانویه ۱۹۰۹، ش: ۱۰۶، ص: ۳
۱۰۶-جیل المئین، سال ۱۲، ۱۷ صفر ۱۳۳۵ اول آوریل ۱۹۰۷، ش: ۳۶، ص: ۸۹
۱۰۷-همانجا، ص: ۱۰
۱۰۸-همانجا، سال ۱۲، ۲۲ ربيع الاول ۱۳۳۶ مه ۱۹۰۹، ش: ۳۶، ص: ۱۲
۱۰۹-همانجا، سال ۱۵، ۵ صفر ۱۳۳۵ مارس ۱۹۰۸، ش: ۳۴، ص: ۲۱

۹۶-همانجا، سال ۲۸، ۲۴ ربيع الثاني ۱۳۳۵ ژوئن ۱۹۰۷، ش: ۳۱، ص: ۱۷
۹۷-اعضای جمعیت نشر معارف آذربایجان، از این قرار بودند: تقی‌زاده، سید محمدرضا مسارات، حکیم الدوله، سالار مؤید، میرزا احمد فروزی، معتقدالتجار، بارون ستراک (از معلمان مدرسه ارمنه)، حاجی حسین آقا خانی، حاجی محمدعلی آقا با دامچی، سید محمدعلی خان، آقا میرزا آقا امیر روزنامه نامه ملت، مشهدی حسن آقا خا، بارون آردش (معلم مدرسه ارمنه) (همانجا سال ۱۷، ۱۵ رجب ۱۳۳۷ اوت ۱۹۰۹، ش: ۳۵، ص: ۱۳)

۹۸-همانجا، سال ۱۵، ۱۳ صفر ۱۳۳۶ مارس ۱۹۰۸، ش: ۳۳، ص: ۳۶
۹۹-همانجا، سال ۱۵، ۲۶ شعبان ۱۳۳۵ سپتامبر ۱۹۰۷، ش: ۳۱، ص: ۸
۱۰۰-همانجا، سال ۱۷، ۱۶ جمادی الثاني ۱۳۳۵ جولای ۱۹۰۹، ش: ۳۲، ص: ۳۲
۱۰۱-همانجا، سال ۱۴، ۵ جمادی الاول ۱۳۳۵ ژوئن ۱۹۰۷، ش: ۳۲، ص: ۱۸، سال ۱۷، ۱۵ ربيع الثاني ۱۳۳۶ آوریل ۱۹۱۰، ش: ۳۶، ص: ۲۴، همانجا، سال ۱۸، ۲۶ جمادی الثاني ۱۳۳۷ ژوئیه ۱۹۱۰، ش: ۳۷، ص: ۳
۱۰۲-آینده، ج ۱۱، ص: ۶۹۴، ۵
۱۰۳-امیر قلی امینی، زندگی پر ماجرای من، خاطرات وحید، ش: ۳۹، ص: ۶۴
۱۰۴-جیل المئین، سال ۸، ۱۹ صفر ۱۳۳۰ ژانویه ۱۹۱۲، ش: ۳۹، ص: ۱۲۴
۱۰۵-روزنامه جنوب، ۱۱ ربيع الثاني ۱۳۳۹، ش: ۱۶، ص: ۴، همانجا، ش: ۳۲، ص: ۱۳، همانجا، ش: ۱۸، ص: ۸
۱۰۶-روزنامه مجلس، ۱۲ شوال ۱۳۳۳ نوامبر ۱۹۱۶، ش: ۳، ص: ۳
۱۰۷-جیل المئین، سال ۱۳، ۱۳ ربيع الثاني ۱۳۳۴ اول ژوئن ۱۹۰۶، ش: ۳۸، ص: ۵۸، همانجا، ۱۵ ربيع الثاني ۱۳۳۴ ژوئن ۱۹۰۶، ش: ۳۹، ص: ۱۰، ۱۲
۱۰۸-همانجا، سال ۱۷، ۱۳ جمادی الاول ۱۳۳۶ مه ۱۹۱۰، ش: ۳۳، ص: ۱۴، ۵۱



شماره سند	۲۸	تاریخ	۸۸	موضوع	۱۲
موضوع	۱۲	تاریخ	۸۸	موضوع	۱۲

قلم چی اعلام قرآنی که در کتابت تمام شده است
 طبقه بین را از آنجا که در تمام کتب درج شده است
 به دویم صادر می‌باشد بهمان باقی برین در تمام این
 شراعی که سه نایب است که در این کتابت درج شده است
 که در آن کتابت خلاصه از اوصاف و بویته در این صورت است
 که در فایده تبارش به چاره گمانی در این کتابت درج شده است
 که در این کتابت تا آخر خط فایده است که در این کتابت درج شده است

۱۱۱۱ بکارت وزارت با
 تاریخ ۲۱ مه ۱۳۳۶
 شماره ۲۳۳۳



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
 شماره ۷۸
 تاریخ ۲۱ مه ۱۳۳۶

IRAN NATIONAL ARCHIVES
 سازمان اسناد و کتابخانه ملی



وزارت اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
موسسه اسناد و کتابخانه ملی

کتابخانه اسناد و کتابخانه ملی
تاسیس ۱۳۶۲ - ۱۳۶۳
شماره ۴۹۲۴

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
IRAN NATIONAL ARCHIVES
و کتابخانه ملی
اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران
تاسیس ۱۳۶۲ - ۱۳۶۳
شماره ۴۹۲۴



۹۹
مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

قلم سید محمد
موضوع: ...
نیم ...
به فرس ...

وزارت مالیه
مدرسه ...

...
...
...

بدریغ ... ۱۳۲۳

بسم الله الرحمن الرحیم
بابت ...
...
...
...
...

۱۸

THE NATIONAL ARCHIVES

شماره	۸۸	تاریخ انتشار	۱۳۹۰	تعداد صفحات	۵۱	تعداد جلد	۱	قیمت	۱۱۹
-------	----	--------------	------	-------------	----	-----------	---	------	-----

این کتاب در تاریخ ۱۳۹۰ خورشیدی در تهران چاپ شده است. این کتاب در ۵۱ صفحه و یک جلد به چاپ رسیده است. قیمت آن ۱۱۹ ریال است. این کتاب در ۱۳۹۰ خورشیدی در تهران چاپ شده است. این کتاب در ۵۱ صفحه و یک جلد به چاپ رسیده است. قیمت آن ۱۱۹ ریال است.

این کتاب در تاریخ ۱۳۹۰ خورشیدی در تهران چاپ شده است. این کتاب در ۵۱ صفحه و یک جلد به چاپ رسیده است. قیمت آن ۱۱۹ ریال است. این کتاب در ۱۳۹۰ خورشیدی در تهران چاپ شده است. این کتاب در ۵۱ صفحه و یک جلد به چاپ رسیده است. قیمت آن ۱۱۹ ریال است.

این کتاب در تاریخ ۱۳۹۰ خورشیدی در تهران چاپ شده است. این کتاب در ۵۱ صفحه و یک جلد به چاپ رسیده است. قیمت آن ۱۱۹ ریال است. این کتاب در ۱۳۹۰ خورشیدی در تهران چاپ شده است. این کتاب در ۵۱ صفحه و یک جلد به چاپ رسیده است. قیمت آن ۱۱۹ ریال است.

IRAN NATIONAL ARCHIVES

